

تقدیر
برچهرگان!

۶۲۹۸۹

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

شماره ثبت ۱۸۹
نسخه ۴



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد الهیات (گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی)

۲ / ۱۰ / ۱۳۸۱

مرکز اطلاعات مدرک علمی ایران
تهیه مدرک

۲ / ۱۰ / ۱۳۸۱

نگرش تطبیقی بر مسئله بلوغ در مذاهب خمس

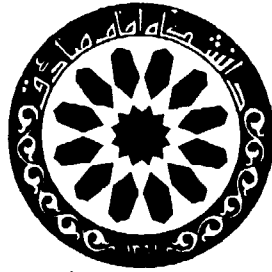
سید علی محمد حسینی نسب

استاد راهنما:

آیت الله محمد باقر باقری کنی

۴۲۹۸۹

تابستان ۱۳۷۸



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد الهیات (گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی)

نگرش تطبیقی بر مسئله بلوغ در مذاهب خمس

سید علی محمد حسینی نسب

استاد راهنما:

آیت الله محمد باقر باقری کنی

اساتید مشاور:

دکتر جواد سرخوش

تابستان ۱۳۷۸

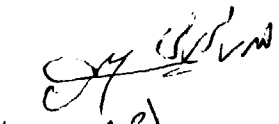


کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری،
ترجمه، اقتباس و... از این پایان نامه کارشناسی ارشد
برای دانشگاه امام صادق علیه السلام محفوظ است. نقل
مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

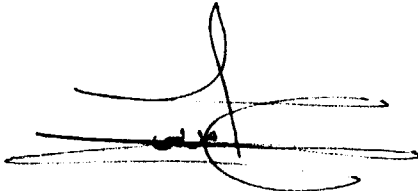
اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای سید علی محمد حسینی نسب شورکی

تحت عنوان نگرشی تطبیقی بر مسأله بلوغ در مذاهب خمسه

را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیوسته پیشنهاد می کنند.

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	محل امضاء
(۱) استاد راهنما	محمد باقر باقری کنی	دانشیار	
(۲) استاد مشاور	جواد سرخوش	استادیار	
(۳) نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده	حسین هوشنگی	استادیار	

(۲) اساتید ناظر:

(۱)	اسماعیل محمد زاده	
(۲)		

چکیده

یکی از مسائلی که جنبه‌های گوناگون فقهی و حقوقی قابل بحث و بررسی می‌باشد و نیز از لحاظ اجتماعی آموزه مورد توجه قرار گرفته است مسأله بلوغ است. بلوغ عبارتست از مرحله‌ای از زندگی که در آن صفات ثانویه جنسی بارز شده و انسان قادر بر تولید مثل می‌گردد و قانونگذار رسیدن به این مرحله را شرط تعلق تکلیف دانسته است. از همین جا اهمیت موضوع مشخص می‌گردد که شارع مقدس با ورود شخص به این مرحله، احکام و تکالیفی را بر شخص مکلف واجب نموده است و انجام یا ترک افعال را از فرد مکلف می‌خواهد. بالطبع این مرحله (بلوغ) با یک سری علائم و اوصافی همراه است که این علائم و اوصاف ملاک تعیین آن می‌باشد.

ما در این پایان نامه بر آنیم که این مسأله را از دیدگاه آیات، روایات فقه امامیه و عامه مورد بررسی قرار دهیم و همچنین در صدد پاسخ به این سؤال هستیم که آیا مقصود از بلوغ در اسلام «دو بلوغ جنسی» است، یعنی رسیدن پسر و دختر به حدی که قوای جنسی آنان به حد کمال رسیده باشد بگونه‌ای که بطور طبیعی بتوانند تولید نسل نمایند و هرگاه به این حد از کمال نرسند بالغ نیستند و احکام تکلیفی و وضعی متوجه آنان نمی‌گردد. یا مقصود از بلوغ در اسلام «بلوغ سنی» است، یعنی وقتی به سن خاصی رسیدند آنها بالغ محسوب می‌شوند و احکام بلوغ بر آنان مترتب می‌شود. به عبارت دیگر آیا بلوغ یک امر تکوینی است یا یک امر تشریحی و همچنین به دنبال پاسخ به این مسأله هستیم که اگر منظور از بلوغ، بلوغ جنسی (تکوینی) باشد چه علائم و نشانه‌هایی دارد و اگر منظور از آن بلوغ سنی است چه سنی می‌تواند مناسبترین باشد و طریق تعیین آن کدام است بر این اساس آراء فقها امامیه به دو قسم تقسیم می‌شود.

(۱) رأی مشهور (۲) آراء غیر مشهور

مسأله‌ای که در این پایان نامه مورد توجه قرار داده‌ایم اینست که شارع مقدس آسانترین و راحتترین راه را برای بلوغ شخص قرار داده که همان شاخص قرار دادن بلوغ جنسی است و همچنین سن بلوغ یکی از مسائل اختلافی فقهاء است، وجود روایات متعدد و گوناگون در مورد سن بلوغ باعث شده تا نظرات فقهاء در این مورد یکسان نباشد.

کلید واژه - بلوغ - تطبیقی - مذاهب خمس - بلوغ جنسی - بلوغ سنی

خلاصة

مسألة البلوغ احدى المسائل التي يمكن البحث فيها فقهيا و حقوقيا وصارت امرا مبحوثا من الناحية الاجتماعية اليوم . يقصد بالبلوغ مرحلة من الحياة تبرز فيها صفات الجنسية الثانوية ، و الانسان في هذه المرحلة يستطيع على توليد المثل ، و قد جعله الشارع شرطا لتعلق الاحكام التكليفية بالانسان .

و من هنا تبرز اهمية مسألة البلوغ ، لان الشخص الذي يدخل في هذه المرحلة يكافئه الشارع باحكام و واجبات و يامر به بفعل امر و ترك آخر .

و يرافق البالغ علامات و اوصاف متميزة عن الاخرين . و نحن بصدد عن نبحت في هذه المسألة في الايات و الروايات و في فقه الامامية و العامة . و بصدد الجواب على هذا السؤال : ما يقصد الاسلام بالبلوغ ؟ (يقصده (البلوغ الجنسي) اى وصول الصبي و الصبية الي مرحلة الكمال الجنسي و القدرة على توليد المثل ؟ فاذا ما وصلا الي هذه المرحلة لا يلزما بتحمل الاحكام الشرعية . ام يقصده (البلوغ السني) لا الجنسي ؟ اى وصول الصبي و الصبية الي سن خاص لتحميل الاحكام التكليفية عليهما .

و بعبارة اخرى اكان البلوغ امرا تكوينيا ام تشريعيًا ؟ و نحن بصدد ايضا ان نعيّن و نبيّن امارات البلوغ الجنسي (اذا كان تكوينيا) و سن البلوغ (اذا كان تشريعيًا) و ما هو طريق تعيين هذا السن .

و على هذا تنقسم آراء الامامية قسمين :

اولهما : الرأي المشهور و ثانيهما : الرأي غير المشهور

نحن في هذه الامروحة اتخذنا هذا الرأي بأن الشارع جعل البلوغ الجنسي اسهل

طريق الي معرفة سن البلوغ و آراء الفقهاء في هذا المجال كثيرة و مختلفة .

الكل من الايام في البلوغ - القليلة - المذهب النسبة - البلوغ الجنسي - البلوغ السني

عنوان	فهرست مطالب	صفحه
پیشگفتار		۱
فصل اول □ ماهیت بلوغ و علائم آن از دیدگاه مذهب امامیه		۱
بخش اول = تعاریف بلوغ		۱
۱- تعریف لغوی بلوغ		۵
۲- تعریف اصطلاحی بلوغ		۶
۳- رشد در لغت و اصطلاح		۷
۴- تمییز در لغت و اصطلاح		۸
۵- حجو در لغت و اصطلاح		۱۰
بخش دوم = بلوغ و علائم آن از دیدگاه مذهب امامیه		۱۰
۱- احتلام		۱۰
۲- نقد و نظر		۱۶
۳- انبئات		۲۵
۴- سن		۳۱
۵- رأی مشهور		۳۱
۶- آراء غیر مشهور		۴۰
۷- حیض و حمل		۷۶
فصل دوم □ بررسی بلوغ در آیات و روایات		۸۰
بخش اول = بررسی بلوغ در آیات		۸۰
- بلوغ نکاح		۸۰

مرکز اطلاعات آراء علمی ایران
توسعه داری

۹۳	- بلوغ حلم
۱۰۰	- بلوغ اشد
۱۰۹	- بخش دوم = بررسی بلوغ در روایات
۱۱۰	- روایات مشترک بین دختران و پسران
۱۳۸	- روایات مخصوص پسران
۱۵۸	- روایات مخصوص دختران
۱۶۶	- ضمائم

فصل سوم □ بررسی بلوغ از دیدگاه مذاهب اربعه

۱۷۴	بخش اول: بلوغ در فقه حنفی
۱۸۳	بخش دوم: بلوغ در فقه مالکی
۱۹۳	بخش سوم: بلوغ در فقه شافعی
۲۱۶	بخش چهارم: بلوغ در فقه حنبلی

۲۲۵	نتیجه گیری
-----	------------

با پیشرفت علوم و تکنولوژی و پیچیده‌تر شدن زندگی سننری بالطبع مسائل جدیدی مطرح می‌گردند که اندیشه‌های فقهی را یا به سمت تکامل و یا تجدید نظر سوق می‌دهد.

یکی از مسائلی که از جنبه فقهی و حقوقی جای بحث فراوان دارد و از لحاظ اجتماعی نیز امروزه مورد توجه قرار گرفته است، مسأله بلوغ است. این مسأله در فقه امامیه و عامه مطرح شده است و نظرات گوناگونی در این مورد بیان شده است در این راستا فقه‌های معاصر در پرتو مقتضیات زمان نظرات جدیدی در رابطه با سن بلوغ مطرح کرده‌اند. بدلیل اهمیت این موضوع برای انجام تکالیف و احکام الهی و آثاری که بر آن مرتب می‌باشد در این تحقیق بر آن هستیم «تا به این سؤال پاسخ دهیم که مقصود از بلوغ در اسلام بلوغ جنسی است یا بلوغ سنی؟»

به عبارت دیگر تلاش خواهیم کرد تا ملاک تعیین بلوغ را مشخص سازیم به این معنی که رسیدن پسر و دختر به سنی که قوای جنسی آنان به حد کمال رسیده باشد بگونه‌ای که بطور طبیعی بتوانند تولید مثل نمایند و هرگاه به این حد از کمال نرسند بالغ نیستند و احکام تکلیفی و وضعی متوجه آنان نمی‌گردد یا مقصود از بلوغ در اسلام بلوغ سنی است یعنی وقتی به سن خاصی رسیدند آنها بالغ محسوب می‌شوند و احکام بلوغ بر آنان بار می‌شود. سؤال دیگری که به دنبال سؤال اصلی مطرح می‌گردد این است که اگر منظور از بلوغ، بلوغ جنسی است چه علائم و نشانه‌هایی دارد و اگر منظور از بلوغ، بلوغ سنی است چه سنی می‌تواند مناسبترین باشد و طریق تعیین آن کدام است؟

در پاسخ به سؤال اصلی به عنوان فرضیه می‌توان گفت که «شارع مقدس بهترین و آسانترین راه را برای تعیین حد تکلیف انتخاب کرده است و آن شاخص قرار دادن بلوغ جنسی است.»

مادر صد هستیم تا با استفاده از منافع اصیل فقهی «آیات، روایات و استفاده از

نظرات فقهای عظام، این مسأله را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم. علاوه بر این در این تحقیق مقارنه و تطبیق نظرات فقهی امامیه در مورد بلوغ با نظرات مذاهب چهارگانه عامه (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) مورد توجه قرار گرفته است.

این تحقیق به روش توصیفی - تطبیقی و با استفاده از منابع موجود کتابخانه‌ای انجام گرفته است. از موانع انجام تحقیق می‌توان به عدم دستیابی آسان نگارنده به منابع فقهی دست اول به خصوص منابع فقهی مذاهب چهارگانه عامه نام برد به صورتیکه نگارنده برای دستیابی به آنها چندین بار به کتابخانه‌های موجود در شهر مقدس قم مراجعه نموده است. مطالب این تحقیق در سه فصل ارائه می‌گردد. در فصل اول تحت عنوان «ماهیت بلوغ و علائم آن از دیدگاه مذهب امامیه» در دو بخش مجزا - تعاریف مختلف بلوغ چه از نظر لغوی و اصطلاحی و علائم آن که احتلام، انبات، سن، حیض و حمل می‌باشد مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل دوم تحت عنوان «بررسی بلوغ در آیات و روایات در دو بخش جداگانه به بررسی بلوغ در آیات قرآن کریم و روایات پرداخته‌ایم. آیات قرآن را در زمینه بلوغ، بر اساس واژه‌هایی که در این زمینه بکار گرفته شده می‌توان به سه دسته (بلوغ نکاح، بلوغ حلد و بلوغ اشد) تقسیم نمود. روایات را نیز می‌توان به سه دسته (روایات مشترک بین دختران و پسران، روایات مخصوص پسران و روایات مخصوص دختران) تقسیم کرد.

در فصل سوم این تحقیق تحت عنوان «بررسی بلوغ از دیدگاه مذاهب اربعه» در چهار بخش نظرات فقهای حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی مورد بحث قرار گرفته است.

در پایان از باب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» برخود واجب می‌دانم از حضرت آیه الله باقری کنی که زحمت راهنمایی این پایان نامه را برعهده گرفته‌اند تقدیر و تشکر نمایم همچنین از جناب آقای دکتر سرخوش که در کسوت مشاور، نگارنده را از نظرات ارزشمند علمی خود بهره‌مند ساخته‌اند نهایت سپاسگزاری را داشته باشم.

فصل اول □ ماهیت بلوغ و علائم آن از دیدگاه مذهب فلسفه

■ بخش اول = تعاریف بلوغ

۱- معنای لغوی بلوغ

بلوغ که یک واژه عربی است دارای معانی متعددی می‌باشد که از آن جمله می‌توان به معانی ذیل اشاره نمود:

- «به انتهای هدف و مقصد رسیدن و یا انجام کاری در پایان زمان و مکانی معین و چه بسا گاهی مقصود از بلوغ یعنی به پایان رسیدن، تسلط یافتن و اشراف داشتن به چیزی تعبیر شود هر چند که به انتهایش نرسیده باشد. یکی از معانی آن به انتهاء و پایان رسیدن است.»^(۱) در آیه زیر بلوغ به این معنا به کار رفته است: «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً..»^(۲)

به معنای رسیدن و به پایان رسیدن است و اینکه می‌گوین «بلغ الصبی» یعنی دوران کودکی فرد به پایان رسید و خداوند او را مکلف نموده است.

- از این کلمه گاهی تعبیر به «کبر»، «درک یا ادراک»، «حلم و

۱- بوالقاسم الحسین بن محمد بن الفضل [الرابع الاصفهانی] المفردات فی غریب القرآن. ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، ج (تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۱ ش) ص ۲۲۳ و همچنین راجع به النیس ابیراهیم، السعیم الوسیط (دهر: بی تا، چاپ دوم ۱۳۹۲ ق) ص ۶۹ و ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج (تهران، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم ۱۳۸۹ ق) ص ۳۰۱ و محمد مرتضی حسینی ناسطی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۶ (تهران، دارالتراث العربی [بی تا]) ص ۲ - الاحقاف: ۱۵۱۴۶

احتلام» «مراهقه» و اشد شده است که درباره بعضی از این اصطلاحات توضیح داده می‌شود.

(کبر) دو معنی برای آن ذکر شده است: یکی عبور از مرحله کِهولت و پیری به مرحله شیخوخت و ضعف. دیگر اینکه مراد از آن خروج از حد صغر و دخول در مرحله شباب و جوانی باشد و مراد از «ادراک» وصول و ییوستن می‌باشد.

(الحلم و الاحتلام) احتلام مصدر «احتلم» است و «الحلم» اسم مصدر می‌باشد و آن در لغت به معنای رؤیاهای نائم است اعم از اینکه مرئی خیر باشد یا شر که البته از نظر شارع رؤیا مستعمل در خیر است»^(۳)

- رسیدن به مکانی ولو اینکه داخل نشود و همچنین به معنای مشرف بودن بر چیزی می‌باشد.^(۴)

- بلوغ یعنی رسیدن به حالت حلم و شروع شدن تکلیف^(۵)

- بلوغ یعنی احتلام. ادراک و وصول و همچنین به معنای نزدیک شدن به چیزی آمده است.^(۶)

- بلوغ به معنای رسیدن است برای مثال وقتی می‌گویند «بلغ الثمر» یعنی

۳- وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، موسوعة الفقهية الكويتية، ج ۸، (کویت، بیروت)، دار الفکر للطباعة والنشر، الإسلامیة، بیروت، اول ۱۴۰۶ ق) ص ۱۸۶-۱۸۷ و همچنین رکب: جمال الدین محمد بن مکرم بن محمد، لسان العرب، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ص ۲۱۹ (چاپ اول ۱۳۰۵ ق)

۴- ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریة، معجم اللغة (کویت المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم، چاپ اول ۱۴۰۵ ق) ص ۲۹۳ و همچنین رکب: ندیم و اسامه مرعشلی، صحاح فی اللغة و العلوم، ج ۱، بیروت: دار الفکر، چاپ اول ۱۹۷۴ م) ص ۱۱۲

۵- شیخ احمد رضا، معجم متن اللغة، ج ۱ (بیروت: دار مکتبة الحیة، ۱۳۱۷ ق) ص ۳۳۶ و همچنین: ابن عبد المحسن، معجم متن اللغة، ج ۱ (بیروت: دار الفکر، چاپ اول ۱۴۱۱ ق) ص ۱۹۱

۶- برحیب سعیدی، القاموس الفقهی (دمشق: دار الفکر، چاپ دوم ۱۴۰۱ ق) ص ۲۱

■ بخش اول = تعاریف بلوغ

۲- معنای اصطلاحی بلوغ

- اصطلاحاً بلوغ «شروع نضج جنسی است. هنگامی که اعضای تناسلی بتوانند وظایف خود را انجام دهد و این را سن همراهی می‌گویند در دختران از دوازده سالگی تا چهارده سالگی پدید می‌آید و با پدیده حیض و رشد پستانها همراه است و در پسران از سن دوازده تا شانزده سالگی به تأخیر می‌افتد و همراه با خروج منی و تغییر صدا و نمو موی ریش همراه می‌باشد»^(۱۰)

- «البلوغ نضج الوظائف الجنسية» یعنی بلوغ نضج وظایف جنسی است.^(۱۱)

- طبق تعریفی دیگر «بلوغ نوعی کمال طبیعی برای انسان بشمار می‌رود که به واسطه آن نسل باقی می‌ماند و عقل بدان قوت می‌گیرد و مرحله انتقال کودکان به مرز کمال و رسیدن به موقعیت زنان و مردان می‌باشد»^(۱۲)

- تعریف دیگری که شده این است که بلوغ مرحله‌ای از تطور انسانی است که در آن صفات ثانویه جنسی بارز شده و انسان قادر بر تولید مثل گردد که در

۱۰- محمدشفیق غربال، موسوعة العربية المیسرة (قاهره: دارالشعب، چاپ دوم ۱۹۸۲ م) ج ۳ - ۴

۱۱- نیس ابراهیم، المعجم الوسیط (قاهره: بی تا، چاپ دوم ۱۳۹۲ ق) ج ۱۰

۱۲- محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۶ (بیروت: دارحیة، کتابخانه ۱۹۸۱ م) ج ۲

پسران در سن ۱۴ سالگی و در دختران اندکی کمتر از سن پسران حادث می‌شود.^(۱۳)
- به نظر می‌رسد که مقصود از بلوغ مرحله‌ای از رشد عمومی دختر و پسر است که در آن سیستم جنسی آنها به تکامل رسیده و آماده تولید مثل باشد و قانونگذار. رسیدن به این مرحله را شرط تعلق تکلیف دانسته است.

۳- رشد در لغت و اصطلاح

«الرشد (رَشِدًا، يَرشُدُ) در مقابل غی است، غی به انحراف در دین و اخلاق گفته می‌شود و رشد بمعنای هدایت در این زمینه‌ها است.

الرشد (رَشِدًا، يَرشُدُ) در این صورت رشد در مقابل ضلالت است. ضلالت به هر نوع گمراهی اطلاق می‌شود و در مقابل، رشد، هدایت به راههایی است که به مقصد و مطلوب می‌رساند».^(۱۴)

- «در اصطلاح فقه رشد عبارتست از کیفیت نفسانی که دارنده آن می‌تواند نفع و ضرر و حسن و قبح را تشخیص دهد، چنین کسی را رشید گویند. فاقد این وصف اگر به حد جنون نرسد و صغیر هم نباشد، سفیه خوانده می‌شود».^(۱۵)

۱۳- نجیب فرنجیه، موسوعة العربية (بیروت: دارریحانی، چاپ اول ۱۹۵۵م) ص ۱۱۴.

۱۴- جمال الدین محمدبن مکرم بن منظر مصری، لسان العرب، ج ۳، بیروت، دارعربی، ص ۱۷۵.

۱۵- محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق (تهران: نشر میزان، چاپ ششم ۱۳۷۲ ش) ص ۳۳۲.

۴- تمیز در لغت و اصطلاح

«تمیز (مَيِّز - يُمَيِّزُ) از باب تفعیل می‌باشد. که به معنی جدا کردن و شناسایی اشیاء می‌باشد و نوعی توانایی ذهنی است. که به واسطه آن قدرت فهم معانی در شخص پیدا می‌شود و بدینسان می‌تواند در حوزه شناخت خود اشیاء را به صورتهای مختلفی تقسیم کند مانند تقسیم آنها به مضر و نافع. خوب و بد. به کسی که از توانایی مذکور بهره‌مند باشد ممیز گفته می‌شود.»^(۱۶)

- در اصطلاح فقه: اگر چه لفظ صبی ممیز و غیر ممیز در فقه فراوان مورد استفاده قرار گرفته است ولی متأسفانه بطور مستقل از آن تعریفی صورت نگرفته است. آنچه از اکثر استعمالات بدست می‌آید اینست که «به زمانی قبل از بلوغ و نزدیک به آن دوران تمیز گفته می‌شود. در این دوره کودک قدرت تشخیص نسبتاً مناسبی پیدا کرده است و توان ادراک معانی را تا حدودی داراست. به چنین کودکی ممیز گفته می‌شود و از احکام خاصی در عبادات و معاملات برخوردار است.»^(۱۷)

۵- حجر در لغت و اصطلاح

«الحَجْر، الحُجْر، الحِجْر به معنی بازداشتن، تضییق و منع می‌باشد. به همین مناسبت حرام را حجر می‌نامند. چون از طرف خدا منع شده است»^(۱۸) مانند آیه شریفه «وَ يَقُولُونَ حَجْرًا حَجُورًا» ای حراماً محَرَّمًا^(۱۹) و همچنین عقل را حجر می‌نامند زیرا صاحب خود را از ارتکاب اعمال زشت و آنچه که برای عاقبت او مضر است باز می‌دارد مانند آیه شریفه «هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حَجْرٍ»^(۲۰)

۱۶- سعیدخوری شرتوتی، اقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد، ج ۵، تهران: دارالاسلام، چاپ اول ۱۳۱۲ شمسی، ص ۲۹۱

۱۷- زین‌الدین جمعی عاملی [شهبانوی] روض الحنان فی شرح ارشاد الالهان (پیرروت، مؤسسه اناسیت لاحیاء الفنون، لبنان، ص ۲۴۳)

۱۸- محمدحسین جمعی، بیسن، ص ۳

۲۰- النجاشی: ۱۹، ۵

۱۹- الفرقان: ۲۵/۲۳

و اینکه می‌گویند «حجر علیه القاضی» یعنی حاکم وی را از تصرف در دارائیش منع کرد.»^(۲۱)

حجر در اصطلاح: بازداشتن کسی را از تصرف در دارائیش گویند. چه منع از تمام دارائیهایش مانند کودک و مجنون و برخی از آنها مانند مریض (در مرض منجر به مرگ) حجر گاهی برای مصلحت محجور علیه است: (مانند حجر صبی. مجنون و سفیه) و گاهی برای مصلحت دیگران است (مانند حجر مریض. مفلس و عبد).^(۲۲)

حجر دارای اسباب گوناگونی است و از آن جمله صغر (عدم بلوغ) است یعنی کلیه کودکان قبل از رسیدن به بلوغ از انواع تصرفات در دارائیهایشان ممنوع هستند. مجموعه مباحث پیرامون حجر در کتاب مستقلی بعنوان «کتاب الحجر» در مجموعه‌های فقهی جامع مورد بحث قرار گرفته است.

۲۱- جمال‌الدین محمدبن مکرّم بن منصور مصری، لسان العرب، ج ۴ (قم: نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ ق) ص ۱۶۷

۲۲- محمدحسن نجفی، پیشین ص ۴۳